

چند سند تاریخی



مرکز تحقیقات فلسفه اسلام و ایران

از:

محمد رضا نصیری

(دانشجوی دکتری تاریخ)

از : محمد رضا نصیری

(دانشجوی دکتری تاریخ)

چند سند تاریخی

= ۹ =

سواد نامه کریم خان زند به سلطان عبدالحمید خان اول^۱

بسم الله خير الاسماء

الحمد لله مالك الملك والملكون رب العزة والجبروت الملك
الله الذى لا يموت خالق الامم مفيض النعم حديم الكرم ابتدع من الطين
بقدرته خلق خليفة ابى البشر ، فصوره بحسن تقويمه احسن الصور
وزين هام خلافته بغير غايب الكرامة و توجه بتاج الامامة و اناط نظام
امر الانام بعده لحفظ النوميس بتعاقب الرئيس من الملوك والسلطانين
و تتابع الولاة من القياصرة والخواقين والصلوة والسلام على النبي
الاجل الاكرم محمد سيد العرب والعالم و على آله واصحابه اجمعين
الي يوم الدين

بعد از حمد چناب کیریا ، و بسط بساط نعمت سید انبيا ، بر مرأت
ضمیم قدسی تخمیر اعلیحضرت گردون بسطت ثریا منزلت مشتری
سعادت خور شید طلعت ، عطار دفطنست ، زینت بخش و ساده جاه و جلال ،
۱- آرشیو ملی ترکیه دفتر نامه همایون جلد ۹ ص ۶۵-۶۶ این نامه تاریخ
نادرد ولی ورود عبدالله بیگ باستانبول در اوایل شعبان صورت گرفته و تاریخ
ثبت سواد در دفتر ، اوائل شعبان ۱۱۸۹ می باشد .

(۱)

متکی ارائه کفرخنده‌گی [فرخندگی] واقبال، مصقل مرأت مطلب نمای دولت خداداد، شیرازه بند او را ق پریشان بلاد و عباد، فارس مضمون خصم افکنی و دشمن شکاری، منظور انتظار الطاف حضرت باری، فروردین ریاض همیشه بهار صاحبقرانی، حدیقه طراز گلزار جهانداری، اعظم سلاطین جهان، افحام خواقین دوران، ناصرالاسلام والمسلمین، قالع الکفار والمشرکین، قآن البرین و خاقان البحرين، خادم الحرمین الشریفین، ثانی اسکندر ذی القرنین، المؤید بتائیدات الملك المنان، السلطان ابن السلطان، والخاقان ابن الخاقان، السلطان عبدالحمید خان، زین سریر خلافة العظمى بقوائم ذاته، ونور عيون السلطنة الكبرى بلوامع انوار صفاته، منطبع میگرداند که:

نامه محبت طراز و مفاوضه لازم الاعزاز که بصحابت عائیجاه حقایق آگاه قدوة الاماثل والا ماجد محمد و هبی بیاد آوری کمترین بندۀ درگاه الله سمت ارسال یافته بود در اسعد او ان وايمن زمان شرف وصول بخشید، و اشعه انوار مضامین ملاحظت آیین آن پرتو افکن ساحت اطلاع گردید.

شرحی که بخصوص قضیه تواب جنت‌مکان خلد آشیان، و جلوس میمنت مأنوس آن مهر سپهر عظمت و کامکاری بر تخت سلطنت و جهانداری با ان کیفیت زبانزد کلک در ربار و رقمزدۀ خامۀ مطلب گردیده بود اگرچه از رهگذر و قوع قضیه هائله ناگزیر آن پادشاه غفران پناه، نخست تراکم غمام غموم صبح تعیش دوستان صاف اعتقاد را تیره نمود، از استواء آن شمس سپهر عظمت و کامکاری بروسط السماء دولت جاوید دیده شوق روشن و ریاض تمنی گلشن گردید. بینایان رموز انفس و آفاق چنانچه بنظر تحقیق و دیده تأمل در مرأت رضا تماشای احکام قضا نمایند پیداست که ذاته مضایقه را از ناگواری این مقدمات مرارت آموز نساخته بخلافت نتایج شکرالهی

خواهند بود فحمدأَ اللّهُ ثُمَّ حَمْدًا لِلّهِ أَمِيدَكَهُ همواره برسیر گردون
نظیر دولت متمکن باشند .

مبارک بود بر تو این تاج و تخت
که از لطف ایزد شدت یار بخت

ولایت ز عدلت پر آوازه باد
بتو تاج و تخت شمی تازه باد

وآنچه در باب مقدمات رفع مخاصمات ازمیان آن دولت علیه و
دولت روسیه و تبدل بصلح و یگانگی که از مکارم اخلاق آن خدیو انفس
وآفاق اتفاق افتاده و با روش نگارش پذیر قلم اظهار شده بود مدتها
قبل از حصول ابتهاج بر قیمه کرامت ضمیمه کیفیت مصالعه مذبوره را
استماع، و چون بفحواي الصلح خير و قوع اين امر موجب رفاه حال
کافه انانم و باعث تقویت اهل اسلام و مقبول طبایع خاص و عام میشود
انواع سور و حبور حاصل ، و غنچه دل صداقت منزل از نسیم اخبار
این اخبار مسرت آثار شکفتگی آغاز و چمن آمال قرین اهتر از گردید.

وآنچه در خصوص تشیید مبانی ستور و عهود فيما بین روم و
ایران که در سنه تسع و خمسین و مائه بعد افال هجری استقرار یافته
در رقیمه ملاطفت ضمیمه اندر ارج پذیر فته بود از یمن عنایات ملک
علام بنیان مشید الارکان ستور و عهود در نهایت استحکام و همیشه
اوقات بتخصیص درین زمان که اورنگ جهانداری بوجود آن طراز
آرای سلطنت و کامگاری زیب و زینت گرفته بیش از پیش قواعد
مذبوره استحکام پذیر و بعون الله الملك القدير خلل در بنیان مستحکمه
آن راه نخواهد یافت .

لیکن چون از جانب وزراء و امراء سرحدات روم که متصل

بولایات ایران میباشد اموری چند مخالف شروط عهود ستور بظهور میرسید که وقوع آنها مباین شیوه وداد و خلاف رویه اتحاد بود بناءً علیه مجملی از مفصل کیفیت آن در مکتوب وزارت وشوکت و اقبال پناه کافل امور عباده بالرأی الصائب ، و ناظم مهمام بلاد الله بالفکر الشاقب ، وزیر صائب تدبیر صاحب رای اعظم مرقوم شده بعد از آنکه مراتب مسفوره پرضمیر آفتتاب تنویر مکشوف گردد البته بمحاسن معدنست و مملکت آرائی آن زیبندۀ اور نگه جهانی و فرمان روایی حجب آن غواص ارتفاع پذیر خواهد شد .

درین وقت که عالیجاه قدوة الاماجدوا الکارم مشارالیه با نصوب باصواب معاودت مینمود بنوشتند جواب آن نیز پرداخته، عالیجاه مشارالیه از راه بفاد عازم درگاه معلی ، و نظر باینکه احتمال میرفت که دیر تربقبیل عتبه علیا مستعد گردد، عالیشان معلی مکان عبدالله بیک را بطريق استعمال و چاپاری نیز از راه قارص روانه و صفحهٔ صحیفة‌الخلاص بدین عبارات خالصه الدلالات محرر وارکان و دادو اتحاد را با خلیه ارشید مبانی عهود دستور مقرر ساخته ، همواره مترصد شمول اعطاف و منتظر صدور مکاتیب ورقیمهجنات ملاطفت اتصاف میباشد .

امیدکه سرادق دولت و اقبال و خیام شوکت و اجلال با و تا دخلوده و اطناب ابود مستحكم بوده اختر طالع فیروزی مطالع از افق اجلال ساطع و تابان و لامع و درخشان باد .

باب رکن رکاب کامیاب بحضرت جهانگاریه ایران زده شاه و کمی نزد کوئی عالی طرفین سخنی میگفتند
لطفاً نهادند سورمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الله عالم بالکاف والملائک و زنوب العزة والبروت الملك لمن الذي لا يحيط خالق الامر بعدهم
هم من اطهين بغيره حقه بلطفة الہمیت صدره محبس بقویه ایمن الصدر و زینت فرمد ایمنه بعفیت
الکرامه دوچیه بنج الاعلامه و ایمانهم امران نام بجهة لذت ایمن ایمس شفاخت الرسیل فرمد ایمنه بعفیت
بوقایع الولادة من العجائب و ایمانهم والصلوة والسلام على الہر الایام مکنیت فرمد ایمنه بعفیت
پیغمبر ایمس المیوم الدین پیدا یحیی خاتم کربلا و بسط وسیط فضیل سید ایمانه و ایمانه بعفیت
مکنیت کردون سلطنت فریادهات میزنه ساعات خوشیده شافت عظاءه و قصص و مکنیت کردون سلطنت
چاه و جمال مکنی ایک فرشته که واقعی و حسنی و خود و شیرازه به
مکنیت پرستانی علاوه و عمار غاری مخا هضم اطمی و دشمن شکاری فندره ایمانه بعفیت
فرودیه ریاض معدنها ساخته ای ان دریکه که ایمانه ایمانه بعفیت
پیغمبر الاسلام والسلیمان فاعل الکافر داشت کین فیان البرین و مخاکان الجمین خادم الرسیل مکنیت فرمد ایمانه
پیغمبر روحی المفترین المعمد مکنیت الکافر المیان و میکان ابن علیان و ایمانه ایمانه بعفیت
محمد الحمیه خان زیر سر برخواه الفعلی بیغواریم و آن و نور عیون سلطنت الکباری بدین معنی مکنیت فرمد ایمانه
و مرعیت طراز و معاویت نارم ایمانه ایمانه که بمحاجه مکنیت ایمانه ایمانه ایمانه
پیغمبر ایمانه ایمانه دیگار ایمانه سرت ایمانه ایمانه بود و رسیده ایمانه ایمانه ایمانه ایمانه ایمانه
مکنیت مکنیت ایمانه ایمانه بروکه مکنیت ایمانه ایمانه دیگر ایمانه ایمانه ایمانه ایمانه ایمانه ایمانه
و کی ایمانه
و قدره ایمانه ایمانه

= ۲ =

نامه کریم خان زند به محمد عزت پاشا^۱ صدراعظم عثمانی

صحیفه مودت طراز و نمیقۀ محبت آغازکه درینولا از جانب خیریت جوانب عالیجاه رفیع جایگاه وزارت و شوکت و اقبال پناه امارت و عظمت و جلال دستگاه فخامت و نجدت ونبالت [انتباه شهامت و مجدت و بسالت اکتناه عمدة الامناء الكرام^۲] اسوة الفخماء العظام اعتضاد السلطنة الباهره السنیه اعتماد الدوله القاهر البهیه رکن رکین اعظم سلطنت پایه متین افحتم دولت و ابهت دستور معظم مشیر مفخم امیر مکرم نظاماً للوزارة و الحشمة و العظمة و الاقبال محمد عزت پاشا ادام الله تعالى اجلاله وزیر اعظم دولت قوى شوکت عليه عاليه عثمانیه دراسعد اوان وايم زمان بمخصوص سفارت و مناعت نشان قدوة الاماجد والافاخم زبدۃ الاعالی والاكارم محمد وهبی افندي پیرا یه پوش سمت وصول، و از فحاوى عبارات رنگین واستعارات مؤلفت تضمین آن که رایحه دوستی بمشام موالات ارتسام میر سید دماغ محبت و وفاق معطر و برمضمون بلاغت مشحونش مستحضر و مطلع گردید .

اشعاری که در مواد وقوع قضیه ارتحال نواب غفران مآب خاقان فردوس مکان خلد آشیان المستغرق فى بحار الرحمة الملك المنان سلطان مصطفی حکمر وای سابق ممالک صنیع المسالک آنسامان از این دیر فانی و انتقال او بگلشن سرای جاودانی ، و نتیجه طلوع آفتاب

۱- اصل نامه بشماره ۱۷۴ خط همایون در آرشیو ملی ترکیه ضبط است.

۲- افتادگیهای نامه را از روی سوادآن که در جلد ۹ دفتر نامه همایون ثبت بود آورده و درین دو کوشش مشخص کرده ایم. این نامه هم ظاهراً در رجب ۱۱۸۹ تکارش یافته است .

جهان تاب وجود مسعود اعلیحضرت فلك رفت گردون بسطت
مریخ صولت، پادشاه ذیجاه انجم سپاه ثریا سریر، شهنشاه، نصرت
دستگاه کیوان بارگاه اسلام پناه عدیم النظیر، نیز اعظم آسمان
سلطنت و کامکاری، فروزنده مهر عالم عظمت و تاجداری، مسند
آرای اریکه سوری زینتده اورنگ جلالت و برتری، زینت ده و
ساده عدالت ودادگستری، قآن سکندر حشم داور قیصر خدمقامع
الکفار قالع الفجر، معین الملہ الدین مرغم انوف الکفرة والمشرکین
سلطان البرین خاقان البحرين خادم الحرمین الشریفین السلطان ابن-
السلطان سلطان عبدالحمید خان فرمانفرما نافذالفرمان روم از
مطلع خلافت شهریاری، و تمکن واستقرار خورشید ذات قدسی
[سمات نقاؤه خاندان سلاطین دادائین و سلالة دودمان خوادقین با
عن و تمکین آن مرز و بوم] در بیت الشرف نبالت و جهانداری
نگاشته قلم صداقت شیم گردیده بود، از آنجا که هر فردی از افراد
بنی نوع بشر را از سلاطین اورنگ گزین و مساکین خاک نشین
بمضمون آیه کریمة کل نفس ذاته الموت جز از چشیدن شربت
ناگوار ممات چاره و گریزی و باحکم و تقدیر خالق البریات ستیز
و آویزی نمیباشد، عاقبت هریک از مخلوقات فوت و فناست، ذلك
تقدیر العزیز العلیم انشاء الله تعالیٰ تشریف دارایی دارایی و جامه زیبای
دیبای مملکت آرایی طراز قامت فرخنده علامت اعلیحضرت ظل الله
و در ایوان شامخ البیان معدلت پیرایی جلوس مسرت مأنوس خلافت
پناهی مبارک و مؤید نامتناهی باد .

و شرحی که بخصوص انعقاد مهام مصالحه و مسامله و انسداد
مجادله و مخاصمه با طایفة روسیه و انطفاء نوایر نزاع و معادات
بزلال صلح و مواسات زیان زدحامه اظهار و باعلام آن تبادر و رزیده
بودند، هر چند این معنی سابق براین گوش زد این نیاز مندد رگاه الله
گردیده بود ، لیکن چون مطلب مذکور در نظر اولوا الباب مرغوب و

طبایع دوستان را مطلوبست بنابر توافق دین مبین و حصول آسایش مسلمین کمال خوشوقتی حاصل شد بمصدق اتفاق صدق سیاق الصلح خیر، صلاح حال در مصالحه، و بهرجهت سلم و مهادنه بهتر از حرب و مخاصمه است.

و اینکه مرقوم کلک مصادقت سلک گشته بود که اساس دوستی و ضوابط سنوری که در تاریخ سنّه تسع و خمین و مائے بعد اف من البحری فيما بین دولت علیه عالیه عثمانیه و اهالی ایران مشید و مستحکم گردیده، از حدوث خلل مصون و بهمان ضابطه باستقرار واستحکام مقرن میباشد، از این طرف نیز پیوسته مراجعات قواعد دوستی و سنور منظور نظر محبت مفظور، نهایت سرحدداران و ضابطان ثغور ممالک روم پاس قواعد وشروطی که در وثیقه مصالحه و مسالمه فيما بین دولت علیه عالیه و اهالی ایران مرقوم شده منظور نداشته، بارتکاب حرکاتی که منافی دوستی و سنور و راه رسم اخوت اسلامی است قیام و اقدام مینمایند، که مجملی از مفصل [آن جهت استحضار آن عالیجاه وزرات دستگاه رقمزه کلک اظهار میشود دو فقره آن شروط] مسالمه است.

اولاً اینکه در وثیقه مسفوره که در سرکارات امناء دولتين ضبط است چنین مندرج و مرقوم گردیده که از حجاج بیت الله العرام و زوار مشاهد مقدسه که ذریه حضرت خیر الانام اند اخذ وجوه مبتدعه از قبیل درمه و گوشی وغیره نشده آنها را سالمین آمین بمقصد رسانند. حکام و ضابطان سرحدات خلاف آنرا مرتکب و بخلاف رفتار، و سلوکی که با اهالی ممالک هند و ترکستان مسلوک میدارند در نهایت ناخوشی با اهالی ایران از مجاورین و مسافرین رفتار می نمایند. این مطلب منافی شرط مصالحه و مراجعات طریقہ اسلام وثانياً در عهدنامه مذکور ذکر گردیده که تفرقه ولایات را نگاهداری نکرده رد نمایند، مکرر در باب تفرقه ایرانی که بعد از

زوال آفتاب دولت خاقان طوبی آشیان نادر سلطان اسکنہرالله تعالیٰ فی فرادیس الجنان بتقریب تصاریف زمان و تسلط ارباب جور و عدوان متفرق بولایات روم آمده‌اند، بمحافظین ثغور و سرحدداران آن مرز و بوم شروح دوستانه مرقوم، و آنها در مقام تعلل و ندادن برآمده متفرقه مذکور را رد ننمودند.

و همچنین جمعی کثیر از صاحبان مکنت و ثروت ایران بعزم تجارت بولایات بغداد وبصره رفته بودند، در سال گذشته نظر بیرون طاعونی که از قضایای آسمانی در ولایات مذکور بهم رسیده بود تمامی متوفی، و بعد از فوت ایشان وراث هریک جهت تصرف واخذ اموال و مخلفات متوفیان که حسب الشرع انور باشد بوراث مذکور عاید شود بولایات بغداد وبصره رفته، حکام و ضابطان آنجا از طریق شرع مبین عدول و انحراف ورزیده آنها را مجاب و بی نیل مقصود روانه، و تمامی اموال جماعت ایرانی را خود تصرف، و در این مواد شروح مبسوطه باشان اعلام، و مفید نیفتاد.

در حینی که عالیجاه رفیع جایگاه شوکت و حشمت و جلالت پناه مصطفی پاشای سر عسگر که از جانب ذی شوکت علیه مأمور بقارص و محافظت آن سر حد بود، شرحی باین نیازمند درگاه اله در خصوص نفاق عالیجاه ارکلی خان والی گرجستان کاخت و کارتیل با طایفة روسیه، و عزیمت آنها بعنوان تاخت و تاز [بولایت ارزنة الروم و قارص و ساحت آن مرزو بوم] قلمی، و متمدنی شده بودکه والی مشارالیه را از ارتکاب اینگونه حرکات ممنوع سازیم. بنا بر ملاحظه قاعدة دوستی و ضابطه سنور حسب التمنا کسان ساعی تعیین و شروح تهدید آمیز باو قلمی، که بمجرد وصول آدم و شروح مرقومه ارکلیخان مذکور دست از رفاقت و معاونت آنها برداشته جماعت روسیه را از ولایت خود اخراج [نموده و رفع غائله نزاع گردیده].

چون در سنّه ماضیه ، جماعت خوارج مسقط که از قدیم‌الایام با جگدار فرمان بردار ارباب اختیار ایران میباشند ، و تا دو سال قبل از این کسان ایشان بحضور آمد و شد و اخهار اطاعت و انقیاد می‌نمودند، در مقام تمرد و عصیان برآمده طاعی ، و جهت تنبیه جماعت مذکور فوجی از سپاه منصوره مأمور ، و نظر باینکه جماعت فرنگی با فرمان روایان ایران از قدیم‌الایام چنین قرارداد کرده بودند که هر وقت از اوقات از طرف اربابان اختیار ایران از روی دریا برای انتظام امور جزایر ایران و گذرانیدن قشون از آب خدمتی به آنها مرجع شود جماعت مزبور سفاین و غرابات داده در تقديم آن خدمت کوشند و از اینطرف نیز مراعات به آنها واقع شود ، جهت معبر نمودن قشون مأموره مسقط از طایفة فرنگی بغاریت خواهش چند فروند غرابات و سفاین شده بود، متسلم بصره در مقام ممانعت برآمده و نگذاشت که جماعت فرنگی بشروط معهود عمل نمایند ، و باین معنی اکتفا نکرده تمامی غرابات و سفاین جماعت بصره و فرنگی را از علوّه و ذخیره و سایر مایحتاج بار و جهت خوارج مسقط روانه و در مقام اعانت جماعت خوارج برآمده با یکدیگر یکجهت میباشند .

ونظر باینکه عالیجاه سفارت و سعادت‌پناه قدوة‌الاما جدوا الافا خم محمد وهبی افندي از راه دارالسلام بغداد عازم درگاه معلی، و بالضوره بایست که منزل به منزل طی مسافت نماید، و حقیقت سوء سلوك و حرکات تا هنجار سرحدداران و ضابطان [نسبت با هالی ایران بسیار سرزده ، که به آن عالیجاه] دستور مکرم مرقوم و بصحابت مشارالیه مرسول شده، امکان داشت که تعویقی درآمدن او بهم رسد، باین جهت لازم بود که قبل از رسیدن مشارالیه

مراقب مزبور مسموع سمع آن عالیجاه وزارت پناه شود که با استادگان حضور ساطع النور اعلیحضرت ظل‌الله‌ی عرض نماید، لهذا بتحریر و تقریر مقدمات مذکوره پرداخته گزارش رامفصلابمقام [.....] عالیشان معلمی مکان عمده‌ای اعظم عبد‌الله بیک قدیمی بطريق ایلغار و رسم استعجال ارسال داشت، که در محل مرغوبی بواقفان موقف جلال عرض، که بدanche رأی عالم آرا قرار گیرد از آن قرار عمل فرمایند. باقی ایام دولت و عزت و سعادت و حشمت و کامرانی بردوام باد.

ظہر نامہ مهر کریم خان زند

= ۲۳ =

سوانح عبدالحمید اول به کریم خان زند^۱

«حالا ممالک ایرانیه ده شاه و کیلی اولان زند کریم خان طرفته یازیلان نامه همایون شوکتم قرونک سوده سیدر» المحمد الله الذى لا يبلغ مدحته القائلون ولا يصل ذرى نعوت قدرته المجتهدون الذى مد ظلله نعمائه فوق عباده باکف عدالة السلاطین و اجرای جداول آلائه وابنت مزارع الامال بغيوث حماية الملوك العارفين وسد مداخل الغلاف بتعمید اساس شرعه المتین و جعل سطور كتابه المبين سلما لمصاعد الحق واليقيين وجعل امة بنية و صفية بانباع سنة و اقتداء آثاره التقى اشرف ام المرسلين وربط سلسلة الاخوة الدينية بضوابط ائتلاف الموحدین ووصل لحمة العصبية المعنويه بحوله وقوته بين المسلمين والصلة على من كان رحمة للعالمين الذى قلع سيف جهاده اصول الضلال من اقطار الارضين و طلع شمس دینه واشرف

۱- آرشیو ملی ترکیه در استانبول دفتر نامه همایون جلد ۹ ص ۶۲

الخافقین من ظلمة سوار الكفر والمشركين و على آلہ و صحبه مصابيح
الظلم و مصمم الامم صلی اللہ علیہم اجمعین .

یکتا سوار عرصه بسالت، چابک عنان حلیه حماست ، طهورث
جنگئ ، کیکاووس فرنگئ ، رستم حشمت اسفندیار آهنگئ جوهر
حسام مردی و دلاوری ، سپه کش میدان پروری، حامی ممالک کشور
ایران، صدر رزم تهمتن منشان آب روی خاقان بلند مکان ، حالا
حکمدار الکات فارس و اصفهان و فرماننفرمای ایالات همدان و
اران و مالک ازمه مصالح بلاد قم و کاشان و چرجان اولان زند
عبدالکریم خان جلاد تشنان چنابرینک جانب اخلاص چالبرینه مرأت
توجه شاهانه و آیینه تورد پادشاهانه دن منجلی رخساره محبو به مهر
و محبت و بارقه صورت خلوص و صفت ابراز و ارائت اولنوب
عبیر گربیان حور جنان و طیب مجلس کرو بیان اولمنه شایان فوایع
تسليمات فائقه و روایع تعیيات رائقه دستاویز برید انجداب فواد
وره آورد و نود اخلاص و اتحاد قلندردن صکره باعث تأليف کلمات
دوستانه و بادی تمہید مقدمات محبا نه او لمه و که بودفعه والا جاه عزت پناه
فطانت دثار رویت شعار عبدالله بیک قدیمی دام عزه یدیله طرف
واضح الشرف خسر وانه مزه ارسال اولنان نامه مخالفت القاب و
نوشتہ مهادنت مأبکز و کذلک دستور اکرم مشیر افخم الی آخره وزیر
اعظم و وکیل مطلق صداقت علممنز درویش محمد پاشا ادام الله تعالی
اجلاله و ضاعفه بالتأید و اقتداره و اقباله به رسول مكتوب بلاغت
منسو بکزو اردو و اصل وزیر اعظم مشارالیه و ساطعیله معروض
پایه سریر معدلت سمین و موصول حضور گردون نظیر تاجدارانه مز
اولوب جمله سنک مفهوم و مفادینه وقوف و اطلاع شہنشاھانه مز
حاصل اولمشدر وشنشهن جلیله خدیوانه و دیدنه جمیله داورانه مز

مقتضاسنجه صوب‌سامی و جانب‌گرامیمه اظهار خلوص نیت و عرض
 موالات و مودت ایدنلره فتح ابواب مخدانت و گشاد روزنه استیناس
 و محبت لازمه قاعده مروت و راتبه عهده حقانیت اولوب خصوصاً
 جناب حمامت نصابکز ممالک ایرانیه ده متکی وساده و کالت شاهی
 و مرتقی سلم ایالت پناهی اولدیفکر حسبیله اهالی جانبین میانه لرنده
 موکد و موثوق اولان رابطه اخوت دینیه و ضابطه اتفاق ملیه مشرق
 خاطرفیض مظاهر شاهانه مزدت طلوع نیرحب و ودادکزی ایجاب
 ایدر نامه الفت مقاد و نوشته خلوص مستفادکزدن مندرج تبریک
 جلوس میامن مأнос خسروانه و تسعید خلافت موروثر شهریارانه مز
 خصوصی و مرکز دوستداری و بکھمی ده دوام واستقرار برله منافی
 شرایط صلح و صلاح حالت و قوعنی عدم تجویز یکن مزایاسی موجب
 تزايد صفوت درون و موروث ترقی اخلاص بال صفا مشحون
 او لدوغنده اشتباه او لنمیه مقام صدارت عظمایه تحریر ایدیکن
 مکتو بکزده مسطور ماده لرک هر بری معلوم همایونمن اولوب لازم
 گلن اجوبه‌سی وزیر اعظم و وکیل مطلق مشارالیه طرفون یازیلان
 مکتوب ده درج و تصریح وايضاح و تفصیل او لنمغله مطالب مذکوره
 اتدن منظور و مفهوم کن او لمق مقرر در خصایص دودمان مخدالارکان
 و خصائل خاندان معدلت بنیان ملوکانه مزون اولان محافظه رسوم
 عهد و میثاق و محارسه لوازم پیمان و اتفاق قضیه سنده دولت علیه
 ابدی الاستمرار مزک سعی و اقدامی نه درجه لرد او لدیفی و امت
 محمدن اولان اهالی ایرانک ممالک محروسه مزه آمدشد ایدن حجاج
 و زوار و تجار لرینه سرموگزند و ضرر اصابتنه وجهاً من الوجه
 رضای ملوکانمز او لمدیفی دلیل و برهانه حاجت او لمدیفنه بناء
 تفاصیل احوال وزیر اعظم مزک تحریر اتندن عکس انداز مرأت طبع
 خلوص تبعکز اولور والاچاه عزت پناه مومی الیه عبدالله بیک طرفکزه

عودت ایتدر لمکله اشبو نامه همایون ملاطفت مقر و نمز اصدار و میر
مومی الیه ایله ارسال او لئنمشدر ان شاعر الله تعالیٰ لدی الوصول مفاير
شروع سلم و مصافات و مخالف رسوم عهد و مواليات مادامکه بوندن
بویله جانب ديانت مناقبکزدن وضع ناهموار تحدثنه جواز و رخصت
گوستر لمبه سرچشم مخالفت و مهادنه یه ایرا ثغیر و تکدر ایده جك
طور ردی و قوعنه طرف مستجاب الشرف خدیوانه مزدن دفی قطعاً
جنپش ابروی رضا و تبعویز امکانده اولمیه جفی معلوم حقایق
مرسومکز اولدقده همیشه گلزار محبت جانبین و چمن مودت طرفینه
تطرق برودت دیماه تغیردن اجتناب او لئنمی امرینه صرف جل مکنت
او لئنمی ملحوظد ر

فی اواسط س (شعبان) ۱۱۸۹

ترجمة^۱ نامه عبدالحمید اول بکریم خان زند الحمد لله الذي

بعنای اخلاص جالب جلادتشان یکتا سوار عرصه بسالت
چا بکعنان حلیه حماست، طهمورث جنگ، کیکاووس فرهنگ، رستم
حشمت، اسفندیار آهنگ، جوهر حسام مردی و دلاوری سپه کشن
میدان حمیت پروری حامی ممالک کشور ایران صدر ازم تهمتن
منشان، آبروی خاقان بلند مکان جانب عبدالکریم خان زند که اینک
حکمدار نواحی فارس و اصفهان و فرمانفرمای ایالات همدان و اران
و مالک ازمه مصالح بلاد قم و کاشان و جرجان است. بعداز ابراز و
ارائت فوایع تسلیعات فائقه و روایع تعيیات رائقه که شایان عبیر
گربیان حور جنان است و طیب مجلس گربیان و دستاویز انجذاب
فواد و ره آورد و فود اخلاص و اتحاد است و از رخساره معبوه مهر

۱- در ترجمه کوشش شده است که حتی المقدور امانت و اصالت متن
حفظ شود.

و محبت و بارقه صورت خلوص و صفت که منجلی است از مرأت توجه شاهانه و آیینه تودد پادشاهانه باعث تأليف کلمات دوستانه و پادی تمہید مقدمات محبانه این است که نامه مخالفت القاب و نوشته مهادنت مآب عالی بوساطت والا جاه و عزت پناه و فطانت دثار و رویت شعار عبدالله بیک قدیمی دام عزه بجانب واضح الشرف خسروانه فرستاده وارد شد و مكتوب بلاغت منسوب حضر تعالی که به دستور اکرم و مشیر افخم درویش محمد پاشا وزير اعظم ووكيل مطلق صداقت علم ما درویش محمد پاشا ادام الله تعالى اجلاله و ضاعفه بالتأييد اقتداره واقباله ارسال شده از طرف وزير اعظم مشارالیه به پایه سرير معدلت سمیر وبه حضور گردون نظير تاجدارانه ما موصل گردیده به مفهوم و مفاد آنها وقوف و اطلاع شهنشاهانه ما حصول یافت گشادن ابواب مخادنت و روزنه استیناس و محبت مقتضای شنشنه جلیله خدیوانه و دیدنه جمیله داورانه ماست به آنها که بصوب سامي و جانب گرامي ما اظهار خلوص نيت و عرض موالي و مودت کنند ولازمة قاعدة مروت و راتبه حقانيت هم اين است خصوصاً بجانب حمامت نصاب شماکه الان در ممالک ايران متکي و ساده وکالت شاهي و مرتفقى سلم ايالت پناهی هستيد و باين مناسبت در میان جانبین رابطة اخوت دینيه و ضابطه اتفاق مليه که مؤکد و موئوق است در نامه الفت مفاد و نوشته خلوص مستفاد شما تبریك جلوس میامن مأنوس خسروانه و تسعید خلافت موروئه شهر یارانه ما مندرج است و دوام استقرار شما در مرکز دوستداری ویک جهتی بعدم تجویز وقوع حالتی که منافی شرایط صلح و صلاح است موجب طلوع نیرحب و ودادشما در مشرق خاطر فيض مظاهر شاهانه ما شد و سبب صفت درون و موروث اخلاص بال صفا مشحون ما گردید

و درین خصوص مباداکه اشتباه نمایید هر خصوص که در مکتوب شما بمقام صدارت عظمی نوشته اید یکاکی همه آنها معلوم همایون ماست و پاسخهایش در نمیقه که از جانب وزیر اعظم و کیل مطلق ما مشارالیه نوشته است درج و تقریح و توضیح شده است البته بمطالع مذکوره از آن نمیقه منظور و مفهوم شما باشد وسیع و اقدام دولت علیه ابدی الاستمرار در قضیه محافظه، رسوم عهد و میثاق و ممارسه لوازم پیمان و اتفاق که از خصایص دودمان مخلدارکان واز خصائیل خاندان معدلت بنیان ملوکانه ماست چه قدر دقت و اهتمام نماید معلوم شماست و بحجاج وزوار و تجار ایران که از امت محمد هستند وبهمالک محروسه ما میباشند واز دیار ما میگذرند و میروند سرمو گزندی و ضرری اصابت کند وجهه من الوجه در این بابت رضای ملوکانه ما نیست و نباشد و اثبات این قضیه بدلیل و برهان احتیاج ندارد لذا تفاصیل احوال از نوشتجات وزیر اعظم ما عکس اند از مرآت طبع خلوص منبع شما خواهد شد والا جاه عزت پناه مومنی الیه عبدالله بک که بحضور شما مشرف شوند این نامه همایون ملاحظت مقرون را بواساطت ایشان تقديم می تمائیم انشاع الله شرف وصول یابد و بعد ازین مادام که به تحدث وضع ناهموار که مغایر شروط سلم و مصافات و مخالف رسوم عهد و موالات باشد از جانب دیانت مناقب شما جواز و رخصت ننموده از طرف مستجاب الشرف خدیوانه ما هم قطعاً و حتماً جنبش ابروی رضانشود که طور روی واقع شده و سرچشمہ مخالفت و مهادنترا ایراث تغیر و تکدر کند چون این حال معلوم حقایق مرسوم شما باشد ملحوظ است که شما هم صرف جل و مکنت بکنید و همیشه مجانب نمایید که گلزار محبت جانبین و چمن مودت طرفین از تطرق برودت دیماه تغیر نپذیرد.

فی اوسط س (شعبان)

سنه ۱۱۸۹ هجری قمری

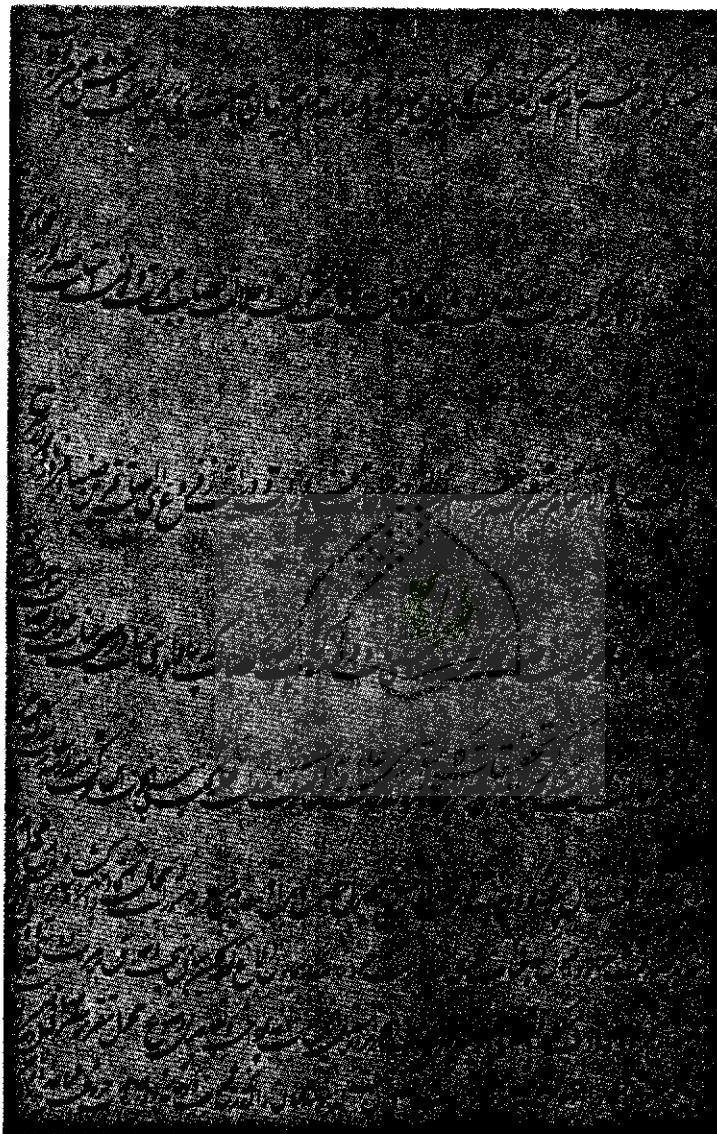
طی عرض سه ماهه از آغاز مطالعه، سه نمونه سوانح اکتشافیه کشید و حوزه اندیشه مصالح اقتصادی و حکومتی اسلامی را برای مطالعه انتخاب کرد.

نامه حاج میرزا آقاسی به صدر اعظم عثمانی

چندانکه مناظم عالم امکان بکفالت کارکنان تقدیر متواتر و مقاصد
جمهور جهانیان با اصابت رای رزین کفات روشن ضمیر مربوط است
همواره اریکه صدارت و کفالت بذات محمد سمات جناب شوکت و جلالت
نصاب مجدت و فخامت انتساب صدر الوزراء الفخام دوست مکرم
والامقام مشیر مفخم صدر اعظم زیب‌اندوز و ساحات فسیح وزارت و
درایت از فروغ رای اصابت قرین ضیا افروز باد

بعد از شرح مراسم دعا بر صفحه صحیفه مودت وصفا مینگارد
که خجسته نامه دوستی مآب و فرخنده کتاب یگانگی نصاب که بیاد
آوری احباب در صحبت جناب جلالت نصاب سماحت و فراست انتساب
فضیلت و سعادت اکتساب سید محمود اسعد افتادی صدر آناطولی و
غیره که از طرف قرین الشرف آن دولت علیه بجانب سنی الجوانب این
شوکت سنیه برتبه سفارت بزرگ مخصوص مأمور شده سمت ارسال
پذیرفته بود زیب محفل وصول و شارح فصول حصول مأمول آمد
مضامین مسطوره مستورات حجاب اتحاد را چهره گشا و شاهدان پر قع
بجمال مهر و وفا را شاهد صداقت سیما بود اکنون که جناب معزی الیه
مأموریت خود را بدربار همایون ابلاغ کرده بحسن سیاق و تعییب
اخلاق بر مراتب دوستی و وفاق دولتین علیتین افزوده معاودت
میگردند باقتضای شرایط موحدت بتحریر و ترسیل این مودت نامه
پرداخت و تفاصیل اوضاع محول بتقریر سفیر صافی ضمیر است که در

۱- اصل نامه در آرشیو ملی ترکیه تحت شماره ۳ در دفتر خط همایون ثبت است



سنن شماره ٤

زمان حضور ابلاغ خواهند کرد شرط موحدت مقتضی آن است که پیوسته محبان را از نگارش صحایف دوستانه و ارجاع مهمات خوشوقت فرمایند. باقی ایام جلالت و صدارت مستدام باد.

مهرآقاسی تاریخ ۱۲۵۰

مختصر جوابی بزودی لطف کنند تا تکلیف خود را بدانم از آن قرار عمل نمایم من طالبم که اولادمن هم رهین منت دیگری نباشد دیگر مختار جمیع امور من آنچنان جلالت مآب میباشد و انتظار جواب را بزودی دارم باقی ایام عمر و عزت مستدام باد.

تاریخ ندارد.

سنه هائله مد رسه فیضه قلم

- ۶ -

نامه علیشاه ظل‌السلطان به محمد رشید پاشا صدر اعظم عثمانی

جناب جلالت و عظمت مآب اپهت وعدالت و حشمت مناب نظام-
الحضرۃ الباهره ، عصام الدوّله القاهره ، کافل مصالح الامور بالفکر
الثاقب ، ناظم مناظم الجمهور بالرأی الصائب ، مؤتمن السلطنة الرفیعه
الخاقانيه ، منظور انتظار ظل الله برادرم صدر اعظم دولت علیه حضرت
رشید پاشا را مخصوص سلام میرسانم

مدت دوازده سنه است که در زیرسایه اعلیحضرت شاهنشاه
زمان شوکتلو افندیم عمری براحت و عزت و صفائ خاطر گذرانیده ام
چه در اسلامبول و چه در عربستان از وزرا و امرا عزتها و احترامها
دیده و امتنان هم از همگی دارم بخصوص از وزرای بغداد چه سابق
و چه لاحق والحمد لله معاش هم از تصدق فرق مبارک اعلیحضرت
شوکتلو افندیم نوعی گذشته است که محتاج بدولتی و همسری نبودم



دعاگوی دولت بودم و هستم و در این مدت هر امری از برای من اتفاق افتاده بی‌شور و مصلحت امنی دولت علیه مرتکب او نشدم در این روزها امری اتفاق افتاده از شاه عجم ناصرشاه خبر مرحومی بعد از چندین سال نسبت بکسان ما شده مبلغ دوهزار تومان که صدهزار غروش باشد از برای آنها قرار داده‌اند از کسان ما بما اطلاع دادند چون خود من و اولاد من نمک پروردۀ خان احسان دولت علیه هستیم بنابرین من در جواب تأمل نمودم و تو شتم اولادهم تأمل نمایند تا خبر ثانی من بآنها برسد لهذا بآن جناب جلالت مأب اظهار می‌شود که چه می‌فرمایند اذن قبولش را میدهند که بتویسم قبول‌کنند یا خیر اذن نیست و بطوری و قسمی که در این مدت گذشته گذران نموده‌اند باز بر همان قرار باشند بی اذن و مرخص آن جناب جلالت مأب محال است من کاری‌کنم و قبول مطلبی نمایم مختصر جوابی بزودی لطف‌کنند تا تکلیف خود را بدانم از آن قرار عمل نمایم من طالبم که اولاد من هم رهین منت دیگری نباشد دیگر مختار جمیع امور من آن جناب جلالت مأب می‌باشند و انتظار جواب را بزودی دارم باقی ایام عمر و عزت مستدام باد

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه اداره خارجیه بشماره ۳۲۵۳ نویسنده نامه دهمین پسر فتحعلی‌شاه است که پس از فوت او در ۱۲۵۰ چند روزی خود را شاه خواند ولی چون محمد شاه بتدبیر قائم مقام بر تخت نشست ظل‌السلطان ابتدا بهمدان و بعد بمراغه تبعید و سرانجام در اردبیل زندانی شد. از زندان بروسیه واز آنجا بغداد گریخت و بسال ۱۲۷۱ قمری در کربلا بسن ۶۲ سالگی درگذشت.